

واکاوی تحولات ساختار شهر کرمان از سده پنجم تا دهم قمری با تکیه بر روابط سیاسی و نقش عناصر شهری

علمی پژوهشی

علی شفیعی نژاد*

علیرضا انیسی**

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۱

چکیده

پیدایش شهرها عموماً مبتنی بر عوامل سیاسی، اقتصادی و ویژگی‌های طبیعی و جغرافیایی بوده، اما تداوم حیات شهر و عوامل مؤثر بر تحولات سازمان فضایی آن‌ها، مبحثی قابل بحث و کاوش است که در هر دوره تاریخی بنا بر وضعیت موجود، سیاست‌های حاکمیت و روابط ناشی از آن، ساختار شهر و مناسبات جاری در آن را به شیوه‌ای نو تعریف می‌کند. در پژوهش‌های گذشته، عموماً شهر به مثابه موجودی منفک از نظام پیرامونی خود خوانش شده و به تأثیر روابط سیاسی خارج از شهر بر روند توسعه آن کمتر توجه شده است، در حالی که شکل‌گیری و حیات شهر کرمان در منطقه‌ای با شرایط اقلیمی نامساعد، همواره وابسته به روابط تجاری با شهرهای اطراف بوده و توسعه سیاسی شهر، توسعه عمرانی و توسعه کالبدی آن را رقم زده است. هدف پژوهش حاضر، شناخت این روابط و تأثیر آن‌ها بر تحولات شهری و سازمان فضایی شهر کرمان در طی ۵ سده، یعنی از قرن ۵ تا ۱۰ ق است. فهم ساختار گذشته شهر، مستلزم بررسی تواریخ محلی و منابع دست‌اول، تحلیل و تبیین آن‌ها و تطبیق اسناد تاریخی با آثار معماری باقی‌مانده از هر دوره به عنوان عناصر شهری آن دوره است؛ بنابراین روش پژوهش پیش رو از نوع تاریخی - تحلیلی و استدلال منطقی است. براساس یافته‌های این پژوهش شهر کرمان از قرن ۵ هجری به طور ویژه مورد توجه قرار گرفت و رونق اقتصادی شهر، موجب توسعه سیاسی و کالبدی آن در قرون بعد شد و به تدریج، سازمان فضایی شهر سلجوقی را متحول کرد. در طی ۵ قرن بعدی در هر دوره زمانی، هسته‌های شهری جدیدی متأثر از وضعیت اراضی درون حصار و چگونگی روابط سیاسی با شهرهای اطراف، بر بستر شهر شکل گرفتند. هسته‌هایی که متشکل از عناصر شهری مهمی مثل مسجد جامع، دارالسیاده، گرمابه و تأسیسات مورد نیاز آن‌ها مثل قنات‌ها بودند. در نتیجه توسعه این عناصر، زمینه‌ساز تحول استخوان‌بندی، موجب شکل‌گیری محلات جدید در پیرامون هسته اولیه و تعیین‌کننده جهت اصلی گسترش شهر در هر دوره بودند.

کلیدواژه‌ها:

کرمان، ساختار فضایی، عناصر شهری، الگوی توسعه شهری، تحولات شهری.

مطالعات معماری ایران

دو فصلنامه معماری ایرانی

شماره ۲۶ - پاییز و زمستان ۱۴۰۳

۴۷

صفحات ۴۷-۶۴

* دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات معماری ایران، دانشکده معماری، دانشکده‌گان هنرهای زیبا، دانشگاه تهران
** دانشیار، پژوهشکده ابنیه و بافت، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، نویسنده مسئول، anisi61@yahoo.co.uk

پرسش‌های پژوهش

۱. نسبت تحولات ساختار فضایی شهر کرمان با عناصر شهری و مناسبات حاکم بر ولایت کرمان چیست؟
۲. ویژگی‌های شهر قرن ۵ تا ۱۰ ق چیست و روابط سیاسی، چگونه در تحولات آن نمود پیدا کرد؟

مقدمه

استخوان‌بندی بسیاری از شهرهای پیش از اسلام در ایران، به تأسی از تغییر و تحول روابط سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، در دوره اسلامی دچار دگرگونی گردید. این تغییرات نیازمندی‌های جدیدی را در پی داشت که منجر به پدید آمدن عناصر کالبدی و شهری جدید شد. شهر در این دوره، یک بار به‌مثابه یک «کل» متشکل از اجزای متکثر عمل کرد و در نسبت با نیازهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مردمانش و رویکرد حاکمان وقت، واکنش نشان داد و بار دیگر به‌مثابه یک جزء (زیرسیستم) در نظام روابط اقتصادی - سیاسی حاکم بر کل ایالت و کشور نقش پذیرفت و متأثر از مناسبات نظام کل در هر برهه، ساختار جدیدی پیدا کرد. این «ساختار» کلتی بسته با مرزهای روشن است به طوری که قوانین کلی بر نحوه ترکیب کالبدی و عملکردی آن حاکم بوده و همه اجزای درون آن طبق این قوانین تغییر و تحول می‌یابند. بدین ترتیب تا زمانی که روابط میان اجزا دچار تغییر نشود، عناصر شهری نیز قادر به دگرگونی نظام شهری نیستند (Gaubé 1979, 19-21).

شهر کرمان به دلیل موقعیت قرارگیری در مسیر تجاری جنوب شرق ایران و در نتیجه رونق تجاری، اقتصادی و نیز توجه حکام محلی به موضوع عمران و آبادی و رفاه اهالی، همواره در معرض توسعه درونی بوده است. باین حال نبود بستر اقلیمی مناسب، باعث پیدایش راهکارهای بومی در زمینه معماری و شهرسازی شد تا شرایط زیست و زندگی شهری را بهبود ببخشد. تاب‌آوری شهر در برابر تنش‌های متعدد طبیعی و سیاسی در طول تاریخ و گسترش آن در جهت مسیرهای بازرگانی و استفاده از ظرفیت‌های تجاری، موجب دوام و گسترش شهر شده است. روند این گسترش گاهی به صورت ارگانیک و ناشی از رونق اقتصادی شهر و افزایش جمعیت ساکنان آن و گاهی از طریق اعمال تغییرات در ساختار شهر توسط حکام هر دوره از طریق ساخت محلات و مجموعه‌های شهری نو در خارج از هسته شهر قدیم صورت گرفته است. با وجود این، هر نوع گسترش و توسعه برای شهری چون کرمان که از لحاظ اقلیمی موقعیت مکانی مطلوبی ندارد، نوعی حرکت آرام شهر به سمت بقا تلقی می‌شود که این شهر را سالیان طولانی به‌رغم تهدیدات گوناگون، پابرجا نگاه داشته است.

هدف اصلی این پژوهش شناخت دقیق سیر تحولات تاریخی شهر کرمان، عوامل تأثیرگذار بر تغییر سازمان فضایی شهر و جهت‌گیری توسعه آن، از آغاز دوره سلجوقی تا پایان دوره تیموری، با استناد به منابع دست‌اول تاریخی، بازخوانی نقشه‌های موجود و اطلاعات باستان‌شناسی ابنیه حاضر در شهر است.

۱. پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش‌های مختلفی درباره تحولات تاریخی شهر کرمان انجام شده است که این پژوهش‌ها را می‌توان به سه بخش عمده تقسیم کرد: الف) پژوهش‌هایی با محوریت تاریخ سیاسی، اقتصادی و اجتماعی شهر؛ ب) مطالعات در زمینه تحولات سازمان فضایی شهر به‌ویژه در قرون اولیه اسلامی مبتنی بر منابع تاریخی؛ ج) مطالعات صورت‌گرفته در خصوص تک‌نگاری بناهای تاریخی.

نخستین بخش درباره تاریخ عمومی شهر کرمان شامل تألیفات احمدعلی وزیر با تصحیح باستانی پاریزی است. وزیر در کتاب *جغرافیای کرمان* به پراکندگی منابع طبیعی شهرهای ولایت کرمان مثل معادن، باغات و قنات‌ها، موقعیت جغرافیایی آن‌ها و نقش هر شهر در نظام اقتصادی استان اشاره کرده است (وزیری کرمانی ۱۳۷۶). در اثر دیگر او، *تاریخ کرمان*، نیز با استناد به متون محلی و سفرنامه‌ها، تاریخ سیاسی ولایت کرمان و وضعیت شهر در میان جدال

حکام آن، از دوره پیش از اسلام تا دوره قاجار روایت شده است (همو ۱۳۶۴). در آثار متأخر، کتاب هزار سال تحول شهری در ایالت کرمان نوشته عبدالرضا کلمرزی، ضمن تشریح وضعیت ایالت کرمان، به تفکیک شهرهای آن از قرون اولیه اسلامی تا قرن ۱۰ ق، نقش هر شهر در نظام کلی ایالت کرمان و روابط متقابل اقتصادی و سیاسی دارالملک با شهرهای اطراف تشریح شده و در نهایت به ذکر اهمیت مضاعف روابط تجاری با همسایگان، در شکل‌گیری و توسعه شهر کرمان منتج شده است (کلمرزی ۱۳۹۸). در گونه دوم، پژوهش‌ها با محوریت تأثیر وقایع تاریخی بر ساختار شهر، جمشید روستا در کتاب *جغرافیای تاریخی شهر کرمان در دوران میانه عصر خواجه*، مناسبات کلی شهر کرمان و مهم‌ترین وقایع تاریخی از پیش از اسلام تا قرن ۸ ق را بررسی کرده و در کنار پرداختن به تحولات کالبدی شهر، توسعه فرهنگی شهر در دوره قراختائیان را نیز روایت کرده است و با اشاره به شکل‌گیری عناصر شهری مثل بناهای حکومتی، عمومی و مدارس، قنات‌ها و دروازه‌ها، وقایع تاریخی، فرهنگی و اقتصادی، این دوره را با تحولات شهری حاصل از آن پیوند داده است (روستا ۱۳۹۸). پوراحمد در فصل سوم و چهارم کتاب خود، *جغرافیا و ساخت شهر کرمان*، ضمن توضیح عوامل استقرار اولیه ساکنان در محدوده شهر کرمان و تحولات ساختار اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی کرمان در دوره اسلامی با استناد به منابع محلی و تاریخ شفاهی، به تحولات شهر در هر دوره تاریخی، کارکرد بازار در استخوان‌بندی شهر، نقش قنات‌ها، راه‌های تجاری و بازرگانی و محلات شهر کرمان پرداخته است (پوراحمد ۱۳۷۱). در جلد اول کتاب *استخوان‌بندی شهر تهران؛ بررسی مفاهیم و نمونه‌ها ایران - جهان*، نوشته ملیحه محمدی، سیر تحول نظام فضایی شهر کرمان به‌عنوان یکی از مصادیق شهر ایرانی - اسلامی بررسی شده است و نحوه ارتباط هسته‌های اصلی شهر که از طریق محوره‌های حرکتی، استخوان‌بندی شهر را شکل داده‌اند، از دوره سلجوقی تا پهلوی ذکر شده است. در این پژوهش، شهر در آغاز متشکل از هسته‌های منفک هر محله و در نهایت متشکل از یک هسته منسجم و منطبق با محوره‌های تجاری و بازار، تعریف شده و روند تحول استخوان‌بندی شهر از نوع هسته‌ای، به خطی و سپس چلیپایی روایت شده است (محمدی ۱۳۷۶، ج ۲). علی‌زنگی‌آبادی در کتاب *جغرافیا و برنامه‌ریزی شهر کرمان* در پی یافتن پیشنهادهایی برای نحوه مواجهه با بافت قدیم شهر، احیا، مرمت یا بازسازی آن، موضوعاتی مانند ویژگی‌های کالبدی بافت قدیم و وضعیت بناهای هر دوره در روند تحولات شهری، عناصر امنیتی شهر قدیم و ساختار فضایی کاروان‌سراها و بازار کرمان را به‌تفصیل بررسی کرده است (زنگی‌آبادی ۱۳۷۰). در مقاله «بازخوانی تحولات تاریخی شهر کرمان با تکیه بر تبیین ساختار فضایی شهر از بنیاد تا پایان سده چهارم هجری» به نقل از نیکزاد، سیر توسعه شهر منطبق بر منابع تاریخی نقل شده و مهم‌ترین تحول این برهه زمانی، ایجاد زمینه رشد فضایی و اقتصادی شهر در جهت گسترش ریض در قرون بعدی خوانش شده است (نیکزاد ۱۴۰۳). گونه سوم پژوهش‌ها، درباره تک‌نگاری ابنیه شهر کرمان هستند که اهم آن‌ها شامل مقاله علیرضا انیسی (The Masjid-i Malik in Kirman) درباره شکل‌گیری مسجدجامع ملک کرمان و جزئیات ساخت آن (Anisi 2004) و ذات‌الله نیکزاد (مساجد جامع شهر کرمان؛ شناسایی و تبیین جایگاه شهری و تاریخی) با هدف بررسی نقش مساجد جامع شهر کرمان در هر دوره و نحوه کارکرد آن در سازمان فضایی شهر و نسبت موقعیت قرارگیری آن با هسته شهر است (نیکزاد ۱۴۰۰). همچنین در بخشی از پروژه «مطالعات و مرمت قلاع دختر و اردشیر کرمان» (مهندسین مشاور استوناوند فراز ۱۳۹۲) و «طرح احیا و سازمان‌دهی خانه‌باغ فریدون سروشیان براساس الگوی خانه‌باغ‌های زرتشتی کرمان» موضوع تحولات شهر کرمان با استناد به منابع تاریخی، مورد بررسی قرار گرفته و نتایج استخراج‌شده به‌صورت لکه‌گذاری روی نقشه مشخص شده است (سلیمانی ۱۳۹۲).

وجه تمایز این پژوهش با پژوهش‌های مذکور تلاش برای خوانش الگوی شهری و عوامل تأثیرگذار در جهت‌گیری گسترش شهر، مبتنی بر منابع دست‌اول و نسبت آن با عناصر شهری و وضعیت سیاسی ولایت کرمان است.

۲. روش پژوهش

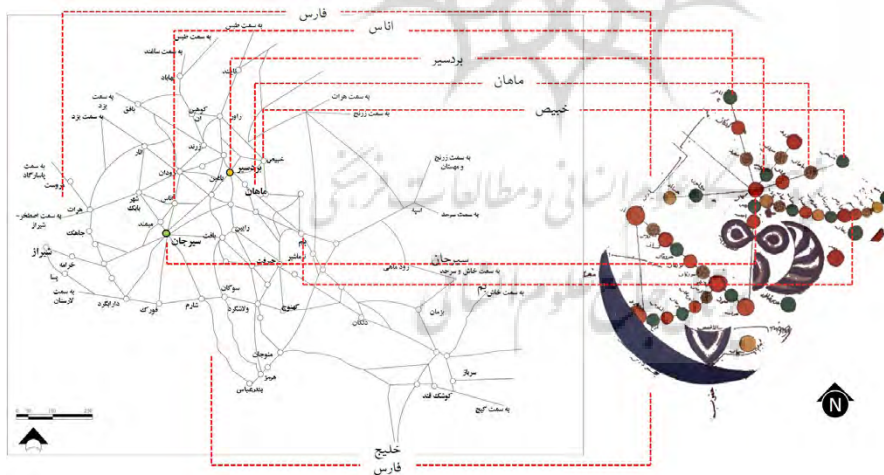
این نوشتار در جهت شناخت ساختار شهر کرمان و تبیین الگوی تحولات سازمان فضایی آن، با تکیه بر منابع معتبر، تاریخ‌نامه‌های محلی و سفرنامه‌های موجود است. در این راستا پس از تفسیر منابع حاضر و فهم وضعیت شهر در هر

دوره زمانی، مطالب یافت‌شده با وضعیت موجود شهر و عناصر شهری مثل بناهای معماری، مسیرهای تجاری و مسیر قنوات تطبیق داده شده است. بنابراین رویکرد پژوهش کیفی و راهبرد آن از نوع تاریخی - تحلیلی و استدلال منطقی است. روش گردآوری مطالب نیز با توجه به بررسی مدارک، اسناد، کتب تاریخی، تصاویر و نقشه‌ها، به شیوه کتابخانه‌ای و بازدید از آثار باقی‌مانده تاریخی موجود در جهت تدقیق اطلاعات موجود است.

۳. عوامل مؤثر بر جهت‌گیری توسعه شهر

۳.۱. نسبت جهت‌گیری توسعه شهر و وضعیت کلان ایالت کرمان

در طول تاریخ، شکل‌گیری و توسعه کرمان پیوندی تنگاتنگ با نحوه ارتباطات سیاسی - اقتصادی شهر و دنیای بیرون از آن داشته و در هر دوره، شهر همچون یک موجود زنده، متأثر از کنش‌های بیرونی، واکنش‌های مختلفی از خود بروز داده است. «زمانی کرمان یکی از پررونق‌ترین شهرهای ایران بود و پس از پایتخت یعنی اصفهان دومین شهر محسوب می‌شد؛ موقعیت این شهر که بر سر راه مستقیم خراسان و بلخ، بخارا و ماوراءالنهر و تمامی قسمت‌های شمال امپراتوری ایران به شهرهای بندری شرقی یا بندرعباس قرار گرفته، به آن اهمیت غیرقابل‌وصفی می‌بخشید و شهر کرمان را به مرکز ثروت، تجمل، عظمت و جلال تبدیل می‌کرد» (پاتینجر ۱۳۴۸، ۲۵۳). تعریف حاضر از شهر کرمان توسط هنری پاتینجر (افسر ارتش انگلیس که در قرن ۱۳ق از جنوب شرق ایران بازدید کرد)، از یک‌سو، حاکی از جایگاه شهر کرمان در شبکه تجاری کشور و از سوی دیگر معرف نقش محورهای تجاری کشور در ساختار این شهر است که به شکل رابطه دوسویه میان جزء و کل یعنی شهر و نظام کلی کشور قابل توجیه است (تصویر ۱). موضوعی که ریشه‌های آن بسیار پیش‌تر از قرن چهاردهم، به ابتدای شکل‌گیری ایالت کرمان گره خورده است. آن‌طور که به نقل از «مستوفی» (۱۳۵۱، ۳۳۰). مسیرهای تجاری با گذر یکی از مهم‌ترین شریان‌های ارتباطی جنوب شرق ایران شناخته می‌شود (مستوفی ۱۳۵۱، ۳۳۰). مسیرهای تجاری با گذر از دروازه‌های شهر، وارد محورهای حرکتی درون‌شهری شده و ساختار فضایی شهر را متأثر می‌کنند.



تصویر ۱: صورت دیار کرمان، مأخذ: استخری؛ تصویر ۲: راه‌های باستانی استان کرمان در سده ۳ تا ۴ق (پورا احمد ۱۳۷۶، ۱۶۹)؛ تطبیق، تحلیل و ترسیم: نگارندگان

۳.۲. نسبت جهت‌گیری گسترش با عناصر شاخص در ساختار شهر

استخوان‌بندی اصلی شهر ایرانی پس از اسلام، متأثر از عناصری است که نحوه گسترش شهر، در گرو پیدایش و چگونگی رشد آن‌ها قلمداد می‌شود. بناهای شاخص مثل مجموعه‌های حکومتی، عمومی و مساجد جامع، محور بازار و شبکه آبرسانی شهر مثل قنوات و کاریزها در شهرهای کویری، عناصری هستند که غالباً وجودشان لازمه رونق گرفتن

محله‌های شهری و محرکی برای توسعه آن‌ها و تولید محله‌های نو در ساختار شهر است. شهر به‌مثابه یک کل در نظر گرفته می‌شود و عناصر شاخص سازمان فضایی آن، نشان‌دهنده اصالت جامعه و عملکردهای عمومی وابسته به زندگی اجتماعی است: محله، میدان و کاروان‌سرا به‌عنوان کل‌های کوچک (زیرسیستم)، بازار، مسجد جامع و سایر ابنیه وابسته به آن به‌مثابه هسته مرکزی، و گذرها و عناصر ارتباطی، استخوان‌بندی شهر را به وجود می‌آورند (منصوری ۱۳۸۶، ۵۷). در مطالعات شهر ایرانی، در دوران پیش از مدرن، اساس ساختار همان الگوی ثابتی معرفی شده که «هاینتس گاوبه» در مطالعه شهر ایرانی - اسلامی آن را بیان کرده است. طبق این الگو، ساختار شهر متشکل از محورهایی است که از دروازه‌های پیرامون شهر به یک میدان مرکزی منتهی و عناصر شهری در اطراف آن‌ها ایجاد می‌شوند (Gaubé 1979, 19-21). محلات شهری بنابر موقعیت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خود درون این شبکه شهری جای می‌گیرند و از گذری که حدفاصل بازار و دروازه شهر ایجاد شده، تغذیه می‌کنند (حبیبی ۱۳۸۴، ۷۷).

مهم‌ترین عنصر شهر اسلامی، مسجدجامع است که در نسبت مستقیم با حاکمیت و عموم مردم شهر قرار می‌گیرد. مسجدجامع در شهر کرمان، نسبت به بسیاری از شهرهای قدیم در موقعیتی متمایز با هسته اصلی شهر قرار داشته است؛ درحالی‌که معمولاً در شهرهای اسلامی، موقعیت مسجدجامع درون حصار شهر تعریف می‌شد، دارای موقعیت مرکزی در شهر بود و در محل تلاقی محورهای اصلی شهر قرار داشت. در ولایت کرمان تلاشی برای استقرار چنین نهادی در هسته اصلی شهر صورت نگرفت، بلکه از الگوی بنیان مسجدجامع در عرصه خارج از هسته شهر و در حاشیه حصار شهر پیروی کرد (نیکزاد ۱۴۰۰، ۶۳). بنابراین بنای مسجدجامع به‌انضمام بناهای حکومتی و عمومی مثل مدارس، مقابر، بیمارستان‌ها و دارالسیاده به‌مثابه یک مجموعه شهری نو، زمینه‌ساز گسترش شهر شده و به‌مثابه یک نیروی محرک برای خارج شدن شهر از پوسته سنتی خود عمل کردند. دومین عنصر مهم در سازمان فضایی شهرهای اسلامی بازارها بودند که معمولاً در نزدیکی مساجد جامع واقع شده و به‌عنوان مراکز اقتصادی شهر، بر استخوان‌بندی آن اثرگذار بودند (کیانی ۱۳۶۵، ۱۱۳). محور بازار و جهت‌گیری آن در شهر کرمان اهمیتی مضاعف داشت زیرا ساختار اقتصادی این شهر، همواره در ارتباط مستقیم با مسیرهای تجاری جنوب شرق ایران و رونق اقتصادی حاصل از آن‌ها تعریف می‌شد. پرواضح است که شکل‌گیری و توسعه شهر در اقلیم مرکزی ایران، متکی بر نظام آب‌رسانی است. شهر کرمان پیش از دوره سلجوقیان، شهری آباد بود و پیرامون آن را باغ‌های وسیع شکل داده بودند که با آب کاریز سیراب می‌شدند. آب مورد نیاز مردم از چاه‌ها و قنات بود و قناتی نیز میان قلعه‌ها کشیده بودند (مقدسی ۱۳۶۱، ج. ۲: ۶۸۲). امتداد مسیر آب در نقاط مختلف شهر، به‌منزله امتداد حیات شهری در آن محدوده قلمداد شده و به‌شکل قنات، کاریزها و آب‌انبارها از بستر شهر سر برون می‌آورد. به نقل از روستا مهم‌ترین قنات‌های شهر عبارت‌اند از: قنات مؤیدی، قنات سلسبیل، قنات مستوره، قنات شهرآباد و قنات فتح‌آباد (روستا ۱۳۹۸، ۱۹۸-۱۹۶).

مطالعات معماری ایران

دو فصلنامه معماری ایرانی
شماره ۲۶ - پاییز و زمستان ۱۴۰۳

۵۱

تأثیر وضعیت کلان ایالت و نظام کشور بر جهت‌گیری توسعه شهر (نیروی بیرونی)



تصویر ۴: نمودار تأثیر عوامل درونی و بیرونی بر جهت‌گیری توسعه شهر



تصویر ۳: مسیر قنات‌ها و مراکز محلات شهر کرمان (محمدمرادی ۱۳۷۸) بازترسیم: نگارندگان

از طرفی با توجه به موقعیت شهر کرمان در منطقه‌ای پرخطر، وجود استحکامات نظامی در پیرامون شهر امری ضروری بود. به نقل از مقدسی، هسته اصلی شهر درون حصار و باروی مستحکمی واقع شده که در دوره آل‌الیاس، تعمیر و تقویت شده است. دژی در بیرون از این حصار و دژ دیگری درون حصار شهر و در مجاورت مسجدجامع وجود دارد و در پیرامون شهر به‌واسطه آب‌کاریزها، باغ‌هایی شکل گرفته‌اند. او در قرن ۴ق، از چهار دروازه در چهار جهت شهر کرمان نام می‌برد: دروازه شمالی «در خبیص»، دروازه جنوبی «در ماهان»، دروازه شرقی «در ززند» و احتمالاً دروازه غربی «در مبارک» نام داشته‌اند^۲ (مقدسی ۱۳۶۱، ج. ۲: ۶۸۳).



تصویر ۵: محدوده احتمالی شهر قدیم پیش از قرن ۵ق، مسیرهای تجاری اصلی و باغات پیرامون شهر کرمان

۴. روایت تاریخی شهر کرمان

۴.۱. وضعیت شهر کرمان پیش از قرن ۵ق

کرمان در قرون اولیه اسلامی دو مرکز قدرت در نیمه شرقی و غربی ایالت داشت. در شرق ایالت، شهر بم و در غرب، سیرجان مهم‌ترین شهرهای ایالت به حساب می‌آمدند؛ اما با قدرت‌گیری خاندان آل‌الیاس در ایالت کرمان، اهمیت شهر بردسیر (کرمان کنونی) افزایش یافت و دارالملک از سیرجان به کرمان منتقل شد (لسترنج ۱۳۸۶، ۳۲۳). جابه‌جایی مرکز ایالت به سمت شرق در دوره آل‌الیاس را می‌توان تحت‌تأثیر شرایط سیاسی این دوره، تنش‌های موجود در غرب ایالت و لزوم دور شدن مرکز ایالت کرمان از شهر شیراز به‌عنوان دارالحکومه آل‌بویه و درعوض به‌واسطه وابستگی آل‌الیاس به حکومت سامانیان، تلاشی برای نزدیک شدن مرکز ایالت به خراسان دانست (باستانی‌پاریزی ۱۳۵۲، ۲۵۳).

شکل‌گیری شهر کرمان پیش از اسلام با ساخت قلاع نظامی در جوار کوه شیوگاه پیوند خورده است. قلعه دختر و قلعه اردشیر به‌عنوان هسته‌های اولیه شکل‌گیری شهر، نخستین کانون‌های سکونت و فعالیت آن بودند. به نظر می‌رسد که هسته شهر در آستانه قرن ۵ق، در محدوده دشت وسیع غرب قلعه دختر و قلعه اردشیر واقع شد و اراضی مجاور قلعه‌ها از شاهیان در شمال شرق تا فرمتین و فریزن^۳ در جنوب شرق هسته شهر، بیشتر به باغات پیرامونی شهر اختصاص داشتند (ابوحامد کرمانی ۱۳۵۶، ۱۲۴). در این زمان، شهر چهار دروازه در حصار خود داشته؛ همان‌طور که در تصویر ۵ مشخص شده است، یکی از قلعه‌های شهر بیرون از این حصار و دیگری درون آن واقع شده و قنات‌های احداث‌شده توسط ابوعلی محمد بن الیاس در حدفاصل دو قلعه، زمینه را برای رشد باغات حاشیه شهر فراهم کرده بودند (مقدسی ۱۳۶۱، ج. ۲: ۶۸۳). در دوره آل‌الیاس، بارویی در پایین قلعه‌ها بنا شد که به‌واسطه آن، شهر شاکله اصلی خود را پیدا کرد (ابوحامد کرمانی ۱۳۵۶، ۱۲۳). عمده‌آبادی شهر کرمان پیش از قرن ۵ق، مربوط به توسعه‌های عمرانی در دوره آل‌الیاس

و متأثر از انتقال دارالحکومه به کرمان است که منجر به رشد هسته شهر در غرب کوه شیوگاه و تا حدودی به صورت منفک از قلاع شهر شد. اجزای مهم شهر در این دوره عبارت بودند از: دژهای شهر بر فراز کوهچه‌ها، محدوده درون حصار، بارو و خندق پیرامون شهر، باغات و مزارع بیرون از حصار و آبادی‌های خارج از محدوده شهر (نیکزاد ۱۴۰۳، ۷۸).

۲.۴. گسترش شهر کرمان از قرن ۵ تا ۷ ق

نقطه آغاز حضور پررنگ ترکمانان سلجوقی در مناطق مرکزی و شرقی ایران، ریشه در پیروزی طغرل بیگ سلجوقی بر سلطان مسعود غزنوی در سال ۴۳۱ق در نبردی موسوم به دندانقان دارد. این پیروزی زمینه‌ساز تحولات متعددی گردید، بر اوضاع سیاسی و اقتصادی نواحی جنوب شرق کشور سایه انداخت و زمینه‌ساز تغییرات شهری بسیاری شد. ولایات فتح‌شده به دست طغرل، میان برادران و برادرزادگان او تقسیم شد و حکومت کرمان و طبسین به قاورد سلجوقی و جانشینانش سپرده شد (راوندی ۱۳۶۴، ۱۰۴). ملک‌قاورد پس از سلطه بر تمام نواحی کرمان، از جنوب تا سواحل عمان و منطقه هرمز و از غرب تا قسمت‌هایی از فارس و ولایت سیرجان را به تصرف خود درآورد و کرمان را دارالممالک خویش برگزید (ابوحامد کرمانی ۱۳۲۶، ۷۵). در این دوره، مرزهای ولایت کرمان از شرق و جنوب شرق شامل تمامی ولایات بلوک اربعه می‌شد و تا سرحدات مکران نیز گسترش یافت و تا اواخر این دوره، بخش‌های زیادی از بلوچستان زیر نفوذ سلجوقیان باقی ماند (ابوحامد کرمانی ۱۳۵۶، ۱۲۸). از شمال نیز مرزهای ایالت کرمان به سرحدات سنتی خود یعنی شهرهای راور، کوهبنان و طبس در مجاورت خراسان ختم می‌شد (کلمرزی ۱۳۹۸، ۴۶-۵۰). این محدوده جدید در طول یک قرن حکومت سلاجقه کرمان همواره ثابت نبود و در جدال با حکومت مرکزی و قدرت‌های محلی مجاور، دستخوش تغییرات گردید. با وجود این، اهم توسعه ایالت کرمان در این دوره، مربوط به توسعه سیاسی و رشد حوزه نفوذ کرمان، در سرحدات شرقی و جنوبی بود.

در دوره سلاجقه کرمان، برای نخستین بار پس از اسلام، رونق روابط تجاری شهر و افزایش حوزه نفوذ آن مورد توجه حکام شهر قرار گرفت (روستا و محمدی ۱۳۹۴، ۱۳۳). همان‌طور که در تصویر ۶ مشخص شده است، در این دوره برخلاف ادوار پیشین، به سبب ناآرامی‌های مناطق غربی، از اهمیت مسیر شمالی و غربی شهر، به سمت سرزمین فارس و شهرهایی مثل سیرجان کاسته شد و در نتیجه رونق روابط کرمان با نواحی حاشیه دریای عمان و بلوچستان، ناحیه موسوم به «گرمسیرات» یا «بلوک اربعه» در جنوب شرق، متشکل از چهار شهر به نام نرماشیر، نسا و ریگان، مورد توجه حکام سلجوقی قرار گرفت (خبیصی ۱۳۸۶، ۳۲۳). در همین راستا به نقل از بویل، ملک‌قاورد سلجوقی اقدام به تأمین امنیت راه‌های تجاری منطقه به‌ویژه راه‌های منتهی به شهرهای جنوبی و شرقی ایالت و سرکوب قوم قفص در این ناحیه کرد (بویل ۱۳۸۰، ج. ۵: ۶۴). او همچنین در محور کرمان-بم، از سدره تا فهرج، در هر سیصد گام، برای مسیریابی کاروان‌های تجاری میلی ساخت و در سدره، حوض آب، حمام، دومنار و کاروان‌سراهایی بنا کرد (خبیصی ۱۳۸۶، ۳۴۲). او همچنین در جهت تقویت محور ارتباطی کرمان به سواحل جنوبی، بخش‌هایی از مسیر جیرفت را نیز بازسازی کرد (عباسی و امیری ۱۳۹۰، ۳۰۳). از طرفی، سکونت عده‌ای از خاندان سلجوقی در شهر خبیص، موجب رونق شهر خبیص (شهداد کنونی) در شمال شرق ولایت کرمان شد و بسیاری از محصولات مورد نیاز دارالممالک از همین نواحی تأمین گردید و مسیر کرمان - خبیص - خراسان و کرمان - هرمز برای تجارت مورد استفاده فراوان قرار گرفت (کلمرزی ۱۳۹۸، ۱۳۹).

در حدود سال ۴۸۷ق، ملک توران‌شاه سلجوقی اقدام به ساخت مسجد جامع و مجموعه‌ای متشکل از مدرسه، خانقاه، بیمارستان و گرمابه در شهر کرمان نمود (اعتمادالسلطنه ۱۳۶۸، ج. ۴: ۲۰۳۴). به دستور او در ریض شهر که تا آن زمان هنوز به‌طور کامل پا نگرفته بود و در جوار مسجد جامع، محله‌ای موسوم به «سه‌شنبه‌ی» ساخته شد و بسیاری از امرای دولت در آن منزل ساختند (ابوحامد کرمانی ۱۳۲۶، ۱۸). در مورد وضعیت ریض شهر، از ابوحامد کرمانی نقل شده است: «ملک توران‌شاه از شهر بیرون آمد و ایبک در سرای اتابک بزقش در نزدیکی قلعه کهن و درب نو اقامت کردند» (همان، ۸۲). از قرار معلوم در دوره توران‌شاه محدوده ریض شهر مورد توجه قرار گرفته، باغات و عماراتی در آن ساخته شد که توسعه فیزیکی شهر را رقم زدند. یکی از ملزمات رونق محله‌های جدید در گذشته، ساخت باغ و احداث قنات بود. پس از اتمام ساخت مسجد ملک، در جوار آن قناتی به نام «قنات مستوره» توسط دختر توران‌شاه ساخته شد (همت کرمانی

۱۳۶۴، ۶۲) از توصیفات مذکور می‌توان استنباط کرد که هسته اصلی شهر در این دوره متمایل به جنوب شرقی، در جهت قلعه دختر و قلعه اردشیر بود (تصویر ۸). شایان ذکر است که قرارگیری عناصر اصلی شهر مثل مسجدجامع ملک و در مجاورت آن خانقاه، بیمارستان، گرمابه و سایر اوقاف (ابوحامد کرمانی ۱۳۲۶، ۱۸) و شکل‌گیری محله نوپای سه‌شنبهی نیز تأییدی بر این ادعاست. این جهت توسعه هم‌راستا با مسیر پررونق جنوب شرقی منتهی به سیستان و هرمز بود. در دوره ارسال شاه سلجوقی (ح. ۴۹۵-۵۳۷)، عمارت ربض که در عهد توران‌شاه بنیاد شده بود، به شهر متصل شد و به دستور او در شهر ابنیه عام‌المنفعه‌ای مانند مدرسه «درب ماهان» و در حاشیه آن رباط‌هایی احداث شد (همان، ۲۲). شهر در قرون ۵ و ۶، متأثر از وضعیت سیاسی و اقتصادی آن، گاهی با سرعت بیشتر و گاهی به‌کندی، خارج از هسته اولیه گسترش یافت؛ اما همان‌طور که در تصویر ۷ مشخص شده است، تمرکز این توسعه شهری بر استقرار محلات در پیرامون مسجد ملک و تعریف محدوده‌ای نو، به‌عنوان کانون توجه شهر سلجوقی بود.

در دهه پایانی قرن ۵ق و پس از تضعیف حکومت قاوردیان در کرمان، غزها توسط ملک دینار (ح. ۵۸۳-۵۹۱) به قدرت رسیدند. در این دوره نیز همچون دوره پیشین، سرحدات جنوب شرقی ایالت از اهمیت زیادی برخوردار بودند. همسایگان شرقی یعنی شهرهای ملقب به بلوکات اربعه رونق بسیار داشتند به‌طوری‌که خبیصی در کتاب *سلجوقیان* و غز در کرمان نقل می‌کند: «آن قدر در بم و جیرفت ثروت وجود داشته است که مردم در برهه‌ای می‌توانستند در بم هفتصد من و در جیرفت هزار من را به دیناری بخرند» (خبیصی ۱۳۸۶، ۵۶۶). شهر بم در این دوره نقش ولیعهدنشین غزها را بر عهده گرفت و فرخ‌شاه و عجم‌شاه پیش از پادشاهی در آن مشق حکومت‌داری کردند. افزون بر این، جیرفت و بلوک اربعه، نقش منابع اقتصادی و انبار غله کرمان را ایفا می‌کردند (همان ۱۳۸۶، ۵۷۴). بنابراین بار دیگر با ایجاد امنیت در شهرهای شرقی و احیای راه‌های تجاری دارالملک و شهرهای جنوب شرقی، زمینه برای امتداد آبادانی محدوده جنوب شرقی شهر در دوره غز فراهم شد.

به‌طور کلی اوضاع سیاسی ایالت کرمان در دوره غزها، حاکی از فشار و دخالت سه همسایه آنان، یعنی اتابکان فارس در غرب، ملوک شبانکاره در جنوب غرب و خوارزمشاهیان در شمال و شمال شرق دارد که تا پایان دوره غزها در کرمان ادامه داشت (کلمرزی ۱۳۹۸، ۱۸۱). این تهدیدها پس از مرگ ملک دینار نیز پرنگ‌تر شد به‌نحوی که تا مدت‌ها شهرهای مهمی مثل سیرجان در مرزهای غربی ایالت کرمان از سوی حکومت فارس اداره می‌شدند (همان، ۱۸۵). هم‌زمان با ناآرامی‌های جبهه غربی و شمالی، راه ارتباطی جنوب به سمت سواحل هرمز، بیش از پیش رونق یافت و مورد استفاده کاروان‌های تجاری قرار گرفت (خبیصی ۱۳۸۶، ۶۰۱). همان‌طور که در تصویر ۶ و ۷ مشاهده می‌شود، می‌توان انتظار داشت که مسیر جنوبی ایالت به‌عنوان شریانی پررونق، محور مهمی در محدوده جنوب شهر نیز تعریف کند؛ محوری که با راسته‌بازار قلعه محمود و میدان قلعه به‌عنوان قدیمی‌ترین بخش‌های بازار کرمان (پورا احمد ۱۳۷۶، ۲۴۴) تطابق دارد و به‌همراه سایر مستحدثات سلجوقی مثل مجموعه مسجد ملک، شامل گرمابه و عمارات بزرگان سلجوقی، محله نوپای «شاه‌عادل» را ایجاد کردند.

در ابتدای ورود غزها به کرمان، ربض شهر که پیش از این بسیار آباد بود و منازل رفیع، بازارها و کاروان‌سرا در آن بنا شده بود، به کلی تخریب شد (ابوحامد کرمانی ۱۳۲۶، ۹۴). با وجود این، غزها نیز پس از تحکیم نسبی حکومت خود، اقدامات مثبتی در ساختار شهر انجام دادند. در خارج از هسته شهر اراضی محدوده فرمتین و بعلیاباد در جنوب شرق رونق یافتند و در داخل آن به‌خصوص در دوران عجم‌شاه فرزند ملک دینار، عمارات عام‌المنفعه مثل مدرسه و دارالشفای بقیه‌ای برای ملک‌دینار بنا شد (خبیصی ۱۳۸۶، ۶۰۵). با توجه به عمر کوتاه حکومت غزها در کرمان، توسعه بسیار محدودی نسبت به دوره قاوردیان در شهر اتفاق افتاد. به‌سبب تنش‌های موجود در سرحدات غربی و شمالی، همچنین افزایش اهمیت سیاسی-اقتصادی شهرهای جنوب شرقی، برای دارالملک کرمان و توسعه مسیر تجاری جنوب، در این دوره نیز پیکان توسعه شهر رو به جنوب شرق داشته و شهر از همان ساختار فضایی شهر سلجوقی پیروی کرد. به‌رغم اینکه امروزه اثری از بناهای ساخته‌شده توسط غزها در دست نیست، اشاره منابع به رونق اراضی فرمتین و توسعه بازار در جنوب شهر در محدوده نزدیک به مسجد ملک و در امتداد مسیر تجاری هرمز، این موضوع را تأیید می‌کند.



تصویر ۶: شبکه ارتباطی ایالت کرمان حدفاصل قرن ۵ تا ۷ق (پوراحمد ۱۳۷۶، ۱۶۹)؛ تحلیل و بازترسیم: نگارندگان



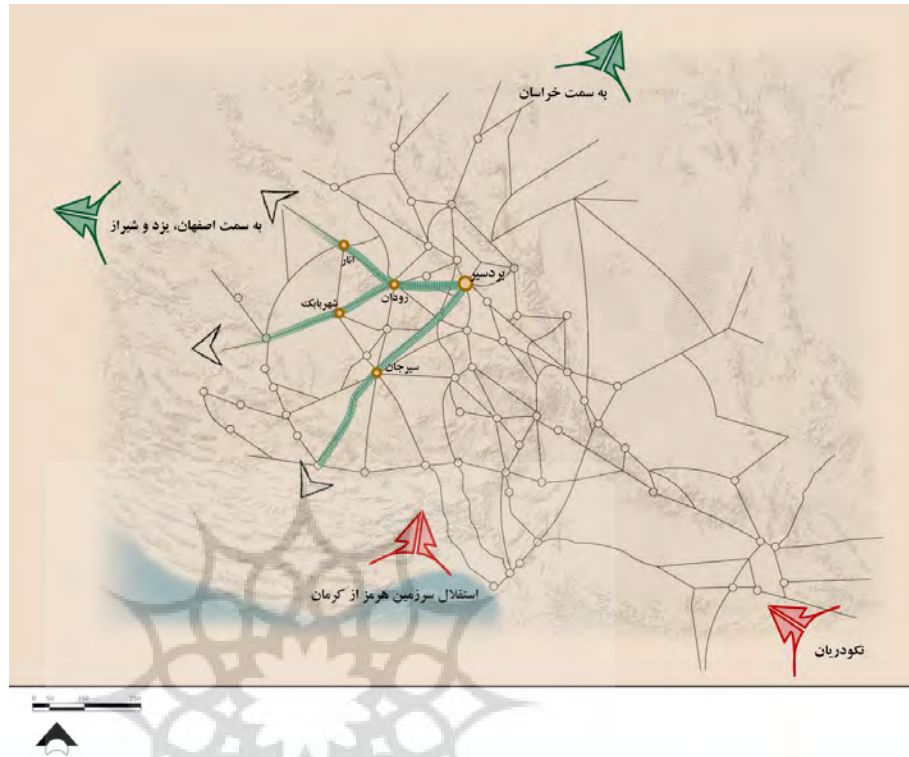
تصویر ۷: محورها و عناصر شاخص شهری کرمان حدفاصل قرن ۵ تا ۷ق: ۱. محله شاه عادل؛ ۲. مسجد ملک؛ ۳. راسته میدان قلعه؛ ۴. راسته قلعه محمود



تصویر ۸: سازمان فضایی و محدوده شهر کرمان در دوره سلجوقیان: ۱. موقعیت احتمالی دروازه مبارک (دشت)؛ ۲. دروازه ماهان؛ ۳. دروازه زرنده؛ ۴. دروازه خبیص؛ ۵. مسجد ملک؛ ۶. مسجد ملک‌دینار (مهریار، فتح‌الله یف، و فخاری تهرانی ۱۳۷۸، ۱۹۰)؛ تحلیل و بازترسیم: نگارندگان

۳.۴. گسترش شهر کرمان در قرن ۷ ق

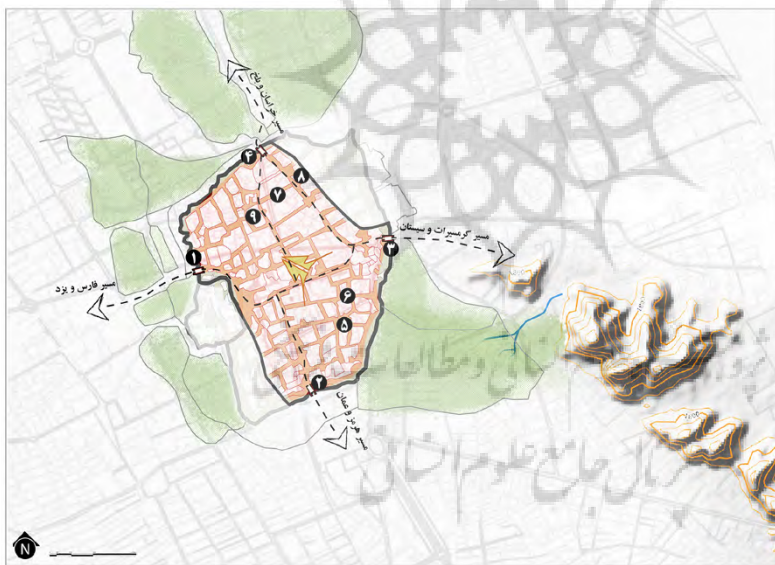
با آغاز قرن ۷ ق و قدرت گرفتن حکومت قراختائیان (۷۰۳-۶۱۹ ق)، معادلات سیاسی در ایالت کرمان دچار تحول شد و به تبع آن روابط دارالملک و همسایگانش نیز بازتعریف شد. در این دوره، برقراری رابطه مسالمت‌آمیز با همسایه غربی یعنی اتابکان فارس، دوباره در دستور کار قرار گرفت. دوره قراختائیان در کرمان مصادف با دوره حکومت ایلخانی به‌عنوان حکومت مرکزی در کشور بود. تقویت ارتباط با حکومت ایلخان از جمله سیاست‌های اصلی براق حاجب مؤسس سلسله قراختائیان بود. گفتنی است که از دیرباز حکام مغول از نقش حیاتی روابط تجاری آگاه بودند و در ادوار گوناگون، برای توسعه روابط تجاری تلاش می‌کردند (روستا ۱۳۹۸، ۱۶۶). در نتیجه درون مرزهای ایالت، برخی از شهرها که پیش از این نقش پررنگی در مناسبات سیاسی - اقتصادی دارالملک بازی می‌کردند، جای خود را به کانون‌های جدیدی در سطح ایالت دادند. از یک‌سو ولایت سیرجان در غرب و ایالت‌های خراسان و عراق در شمال مورد توجه قرار گرفتند و از سوی دیگر در جنوب شرق، گرمسیرات کرمان از جمله بم و نرماشیر به سبب دست‌اندازی‌های پیاپی قوم نکودریان، تا پایان حکومت قراختائیان روی امنیت به خود ندیدند (کلمرزی ۱۳۹۸، ۲۱۵). ملوک هرمز نیز که پیش از این همواره زیر سلطه قاوردیان بودند، رفته‌رفته در پی قطع وابستگی از کرمان و توسعه به سمت عمان و بحرین گام برداشتند (همان، ۲۱۶). در نتیجه همان‌طور که در تصویر ۹ مشخص شده است، راه‌های تجاری جنوب و جنوب شرق که پیش از این مهم‌ترین محور تجارت شهر را شکل می‌دادند، جای خود را به مسیرهای شمال و غرب به سمت ولایات یزد و اصفهان دادند و شهرهای واقع در حاشیه این مسیر مثل شهر بابک، انار و رودان در ارتباط دوسویه با دارالملک قرار گرفتند (همان، ۲۳۲). رابطه حکام قراختایی با ایلخانان و پیروی از سیاست‌های آن‌ها، عاملی مؤثر در تغییر رویکرد و تمایل به ارتباط با شهرهای مرکزی کشور، به‌جای شهرهای مرزی و جنوبی بود.



تصویر ۹: شبکه ارتباطی ایالت کرمان در قرن ۷ق (پورا احمد ۱۳۷۶، ۱۶۹)؛ تحلیل و بازترسیم: نگارندگان

در شهر کرمان، اولین اقدامات عمرانی به دست سرسلسله قراختایان، قتلخ براق حاجب (ح. ۱۹۹-۳۲۲ق) صورت گرفت؛ او در این شهر مدرسه‌ای بنا کرد که بعد از مرگش در همان محل دفن شد (حافظ ابرو ۱۳۷۸، ج. ۳: ۵۴). این مدرسه پس از او توسط فرزندش رکن‌الدین خواجه جق تکمیل شد و «مدرسه قبه‌سبز» نام گرفت (کلمزی ۱۳۹۸، ۱۹۸). اما مهم‌ترین تحولات شهری این دوره متأثر از حاکمیت ترکان خاتون قراختایی و امنیت، ثبات سیاسی و رونق اقتصادی حاصل از آن بود. به نقل از «همت کرمانی»، ترکان خاتون در حدود سال ۶۷۰ق شروع به آبادانی شهر و ساخت مدرسه و بناهای عام‌المنفعه کرد و در اطراف دارالملک نیز دهات و قصبات متعددی احداث نمود (همت کرمانی ۱۳۶۴، ۸۵). حافظ ابرو نیز در حدود سال ۶۶۰ق به اقدامات عمرانی گسترده ترکان خاتون شامل شفاخانه، مسجد، خانقاه، باغ و کاروان‌سراهای بسیار اشاره می‌کند که برای هر یک موقوفاتی نیز معین شده بود. «مدرسه قطبیه» که بعدها به «عصمتیه» نیز معروف شد، از بناهایی است که سلطان قطب‌الدین محمد قراختایی (ح. ۶۴۸-۵۶۶ق)، ساخت آن را شروع کرد و ترکان خاتون آن را تکمیل کرد (کلمزی ۱۳۹۸، ۱۹۸). علاوه بر این، در شهر مسجدجامعی موسوم به «مسجدجامع ترکان خاتون» یا «مسجدجامع درب نو» ساخته شد که پس از مرگ ترکان خاتون به فتوای مولانا شهاب‌الدین تخریب شد (منشی کرمانی ۱۳۲۸، ۴۳). امروزه موقعیت مکانی دقیق این مسجد مشخص نیست، اما با توجه به نام آن، احتمال می‌رود که مسجد جامع درب نو در نزدیکی دروازه درب نو در جهت شرقی شهر قدیم و در محدوده فعلی مسجدجامع مظفری قرار داشته باشد. افزایش امکانات عمومی در شهر، توسعه عمرانی آن و رونق اقتصادی ساکنان، تحولات فرهنگی را نیز در پی داشت که دارالملک کرمان را به شهری چندملیتی با طیف گسترده‌ای از اقشار، اقوام و نژادها بدل کرد (کلمزی ۱۳۹۸، ۲۰۵). به نقل از منشی کرمانی، پس از ترکان خاتون سلطان جلال‌الدین سیورغتمش نیز در کرمان مدرسه‌ای عالی، خانقاهی رفیع و بیمارستانی شفابخش احداث نمود (منشی کرمانی ۱۳۲۸، ۵۸) که احتمال می‌رود موقعیت آن‌ها در مجاورت محدوده مستحذات ترکان خاتون قرار داشته باشد.

در این دوره، خارج از مرزهای شهر کرمان، در شهرهای اطراف نیز آبادانی‌هایی اتفاق افتاد، اما متأثر از تنش‌های مداوم در ولایات شرقی، کانون توجه همچنان متمایل به غرب ایالت و به‌خصوص شهر سیرجان بود (باستانی پاریزی ۱۳۵۵، ۴۴۱). ترکان خاتون قراختایی، رباط‌هایی را در اطرف شهر کرمان بنا کرد و به‌منظور بهبود وضعیت محور شمال غربی شهر، رباطی در «فهرج باغین»، در مسیر فارس احداث کرد (روستا ۱۳۹۸، ۱۶۸). رونق شهرهای غربی و شکل گرفتن راه‌های تجاری جدید، محور نوینی را در ساختار شهر تعریف کرد که باعث جهت‌گیری جدید توسعه کالبدی شهر گردید. کرمان که تا پیش از این عمدتاً به‌سمت جنوب شرق گسترش داشت، در این دوره با ساخت بناهای عمومی جدید، و شکل گرفتن محله «قبه‌سبز» در شمال غرب، سمت‌وسویی نو برای گسترش انتخاب کرد. با توجه به موقعیت فعلی محله باغ‌الله و خواجه اتابک و سابقه تاریخی و ابنیه موجود در آن‌ها و تطبیق آن با مسیر قنات‌های اصلی شهر و مسیرهای بازرگانی، به نظر می‌رسد جهت گسترش اصلی شهر در این دوره، متمایل به شمال غرب بوده است (تصویر ۱۳). از طرفی، سابقه شکل‌گیری و رونق محلات شمال شرقی شهر نیز (محله شهر و محله مزدکان) به ادوار پس از قراختائیان به‌ویژه دوره آل مظفر بازمی‌گردد (دانشور ۱۳۸۸، ۱۱۸). بنابراین محدوده شمال غرب، با تأثیر از محورهای تجاری جدید و ابنیه عمومی و حکومتی واقع در این محدوده، هسته جدیدی به نام «محله قبه‌سبز» را در شهر قراختایی تعریف کرد. توجه به این هسته شهری نوپا، از زمان ساخت مدرسه قطبیه در ابتدای دوره قراختائیان آغاز شد، در دوره سلطان جلال‌الدین سیورگتمش با تکمیل مدرسه و بقعه ادامه یافت، و در اوج این حکومت یعنی دوره زمامداری ترکان خاتون نیز با تکمیل مجموعه قبه‌سبز و ساخت ابنیه عمومی در این محله، بر اهمیتش تأکید مضاعف شد.



تصویر ۱۰: سازمان فضایی و محدوده شهر کرمان در دوره قراختائیان: ۱. دروازه مبارک (دشت); ۲. دروازه ماهان; ۳. دروازه زرد; ۴. دروازه خییص; ۵. مسجد ملک; ۶. مسجد ملک‌دینار; ۷. مجموعه قبه‌سبز; ۸. مقبره خواجه‌اتابک; ۹. مسجد خواجه‌خضر (مهریار)، فتح‌الله یف، و فخاری تهرانی (۱۳۷۸، ۱۹۰); تحلیل و بازترسیم: نگارندگان

۴.۴. توسعه شهر کرمان در قرن ۸ق

از حدود نیمه دوم قرن ۸ق، قدرت و نفوذ خاندان آل مظفر در مرکز ایران آغاز شد. در سال ۷۳۶ق امیر مبارزالدین (ح) ۷۱۳-۷۵۹ق) سرسلسله آل مظفر، توانست حوزه نفوذ خود را بر تمام ایالت یزد و بخش‌های شمالی ایالات کرمان و فارس توسعه دهد. در ادامه افزایش نفوذ او در کرمان و به پشتوانه منتسب شدن به آخرین پادشاه قراختائی، سرانجام در سال ۷۴۱ق امیر مبارزالدین دارالملک کرمان را به دست آورد (معلم یزدی ۱۳۲۶، ۱۲۲). اولین اقدام مهم او پس از تسلط

بر مرکز ایالت، توجه به گرمسیرات و شهر بم بود که با پیروزی بر «اخی شجاع‌الدین» در سال سوم حکومت او حاصل شد و نفوذ آل مظفر را تا بلوک اربعه و سرحدات جنوب شرقی ایالت گسترش داد (کلمرزی ۱۳۹۸، ۲۵۲). تسلط مجدد بر گرمسیرات و فتح شهر بم در این دوره که پیش از دوره قراختائیان همواره به‌مثابه کانون اصلی تجارت شهر کرمان و مرکز تأمین نیازهای اقتصادی شهر تلقی می‌شد، بار دیگر ردی از خود بر جهت‌گیری توسعه شهر گذاشت. رونق مجدد مسیر تجاری جنوب شرق شهر کرمان، محور شرقی غربی مهمی درون شهر تعریف کرد و راسته شرقی غربی بازار را به وجود آورد. هسته جدید شهر متشکل از مجموعه مظفری شامل مسجدجامع، بازار و ابنیه عمومی شامل دارالسیاده، شهر را در جهت شرق توسعه داد.

معلم یزدی در کتاب *مواهب الهی در تاریخ آل مظفر شهر کرمان* را در زمان ورود امیر مبارزالدین این‌گونه توصیف می‌کند: «او شهری دید که از استحکام با بنای هرمان پهلوی مبارات می‌زد و از خوشی با ریاض جنان دعوی مساوات می‌کرد. خندقش از گاو و ماهی زمین چنانچه از گاو تا ماهی گذشته و باره‌اش از گاو و ماهی آسمان به مقدار سلسله نامتناهی تجاوز نموده؛ هر چند به‌واسطه فترات، اندک خرابی بدان راه یافته» (معلم یزدی ۱۳۲۶، ۱۱۵). در دوره آل مظفر (۷۱۸-۷۹۵ق)، بارو و خندقی پیرامون شهر وجود داشت و به‌جز اندک خرابی‌های موجود، شهر در وضعیتی آباد و دارای بناهای مستحکم بود (تصویر ۱۱).



تصویر ۱۱: سیر گسترش شهر کرمان از قرن ۵ تا ۸ق؛ وضعیت حصار و محلات شهر در دوره آل مظفر (قرن ۸ق)

امیر مبارزالدین پس از سلطه بر شهر و سرکوب تنش‌های اطراف دارالملک، ساخت مسجدجامع را در سال ۷۵۰ق در مجاورت دروازه زرنند شروع کرد و پس از پنج سال در سال ۷۵۵ق به اتمام رسانید. معمار آن حاج محمد یزدی بود و پس از اتمام از مولانا عقیف‌الدین ولد شمس‌الدین محمد بن یعقوب که در یزد اقامت داشت، دعوت شد تا به کرمان بیاید و در جمعه اول در این مسجد نماز جماعت گذارد و خطبه بخواند. غیر از این مسجد در «محلّه سرمیدان» نزدیک قصر خود دارالسیاده بنا نمود و تمام مخارج مسجد و دارالسیاده را از املاک موروثی خود که در میبد بود پرداخت. پس از او در هر زمان با توجه مقتضیات وقت، امرا و حکام، این مسجد را تعمیر و املاک، مغازه‌ها و فرش‌های عالی وقف این مسجد کردند (معلم یزدی ۱۳۲۶، ۲۰۹). آن‌طور که از فراین پیداست، هسته جدید شهر، متشکل از بناهای حکومتی

و عمومی در محدوده جنوب شرقی شهر شکل گرفت و با افزایش تمرکز بر این ناحیه، رونق محله‌هایی نظیر محله سرمیدان (مظفری) را رقم زد. نهر آبی نیز در بیرون درب ورودی مسجد مظفری، در جهت شرقی آن قرار داشت که از قناتی به نام «رحیم‌آباد» منشعب می‌شد و تا دوران معاصر جاری و مورد استفاده بود (همت کرمانی ۱۳۶۴، ۸۵). بنابراین از دوران آل مظفر، محدوده محله سرمیدان را باید بخشی از شهر و دارای آبادانی تلقی کرد. در این دوره، احداث محلات جدید و گسترش شهر به سمت شرق رونق گرفت (تصویر ۱۲)؛ با وجود این بعضی از محلات قدیمی نیز، بنا به دلایلی مانند جنگ‌ها و زدوخوردها تخریب و خالی از سکنه شدند (محمدمرادی ۱۳۷۸، ۳۲۹).

نکته قابل توجه این است که رویکرد تمام حاکم آل مظفر نسبت به شهر کرمان یکسان نبود و پس از فتح شیراز در ۷۵۴ق، کرمان تحت‌الشعاع ولایت شیراز قرار گرفت و فقط به ولیعهدنشین آل مظفر تبدیل شد. هم‌پن موضوع موجب کند شدن روند توسعه شهر نسبت به دهه قبل شد و ساخت بناها و توسعه عمرانی شهر با سرعت کمتری افتاد. ساخت مسجد پامنار در حدود سال ۷۹۳ق از معدود اقدامات صورت گرفته پس از دوران اوج شهر بود. محمود کتبی در کتاب تاریخ آل مظفر به نقل از شاه‌شجاع از جانشینان امیر مبارزالدین، وضعیت شهر کرمان در این برهه را این‌گونه توصیف می‌کند: «اینجا که من نشسته‌ام فتنه بسیار می‌بینم و عاریتی است و خانه ما آن گوشه مسکینان و شهر فقیران، کرمان است» (کتبی ۱۳۶۴، ۱۱۳). افول نسبی شهر را می‌توان متأثر از ارجحیت یافتن شیراز و یزد نسبت به کرمان برای حاکم آل مظفر، استقلال کامل هرمز از کرمان و از دست رفتن ارتباطات تجاری با جنوب ایالت و ناآرامی‌های مداوم در شهرهای بلوک اربعه به‌خصوص شهر یم، به‌دلیل هجوم مداوم قوم نکودریان و کم‌رنگ شدن ارتباطات تجاری دارالملک با شهرهای شرق ایالت دانست.



تصویر ۱۲: سازمان فضایی و محدوده شهر کرمان در دوره آل مظفر: ۱. دروازه سلطانی؛ ۲. دروازه ریگ‌آباد؛ ۳. دروازه مسجد؛ ۴. دروازه گبری؛ ۵. مسجد ملک؛ ۶. مسجد ملک‌دینار؛ ۷. مجموعه قبه‌سبز؛ ۸. مقبره خواجه‌اتابک؛ ۹. مسجد خواجه‌خضر؛ ۱۰. مسجد جامع مظفری؛ ۱۱. مسجد پامنار؛ ۱۲. دروازه ناصری؛ ۱۳. باغات پیرامون شهر (مهریار، فتح‌الله یف، و فخاری تهرانی ۱۳۷۸، ۱۹۰). تحلیل و بازترسیم: نگارندگان

۴. ۵. توسعه شهر کرمان در قرن ۹ ق

ورود تیموریان به ایالت کرمان، مقارن با تخریب شهرهای اصلی این ایالت مثل سیرجان و بم بود. در کرمان نیز وضعیت متفاوتی بر مناسبات شهر حاکم نبود. «هر قلعه و حصار که در مملکت کرمان و بم است خراب گردانند و باروی قدیم و جدید نیز ویران کنند» (حافظ ابرو ۱۳۷۸، ج. ۳: ۱۹۱). شهر در این دوره بارها توسط همسایگان خود تهدید می‌شد؛ به‌گونه‌ای که ولایت کرمان در دهه دوم قرن ۹ ق، چهار بار در سال‌های (۸۱۰، ۸۱۱، ۸۱۵ و ۸۱۹ ق) از سوی فارس و خراسان تهدید شد (کلمرزی ۱۳۹۸، ۲۷۸). با وجود تنش‌ها و ناامنی‌های سیاسی و افول وضعیت اقتصادی ساکنان کرمان در دوره تیموری، نباید انتظار توسعه قابل توجهی در شهر داشت؛ تنها مواردی که در منابع تاریخی به‌عنوان اقدامات عمرانی این دوره از آن‌ها یاد شده، در چارچوب تقویت قدرت نظامی شهر و استحکامات آن مثل باروی پیرامونی خلاصه می‌شوند. در حدود سال ۸۱۹ ق به دستور شاهرخ میرزا حاکم تیموری (ح. ۸۰۷-۸۵۰ ق) و در پی احداث حصار جدید، چندی از محلات که در گذشته در ریض شهر واقع شده بودند، در درون آن جای گرفتند و دروازه غربی شهر موسوم به «دروازه سلطانی» بازسازی شد (وزیری کرمانی ۱۳۶۴، ۵۷۲).

حافظ ابرو پس از توصیف تخریب‌های صورت‌گرفته در ایالت کرمان به دست امیر اوکو بهادر، به تحولات دارالملک اشاره دارد. در پی این تحولات ابتدا بخش‌هایی از حصار شهر از بین رفت و پس از آن برای تأمین مصالح مورد نیاز برای ترمیم مجدد حصار، قسمت‌هایی از بافت قدیم شهر تخریب شد. در نتیجه تحولات دوره تیموری نه تنها برخی از عمارات شهر، بلکه باغات بیرون از حصار نیز تخریب شدند و مردم شهر در فقر به سر می‌بردند (حافظ ابرو ۱۳۷۸، ج. ۳: ۲۰۵). در این دوره برخلاف ادوار پیشین ساخت بناهای عمومی توسط حکام صورت نگرفت و در نتیجه کم‌رنگ شدن ارتباط تجاری با همسایگان، شهر در انزوا فرورفت و هسته جدیدی برای توسعه کالبدی آن به وجود نیامد.

۵. ۵. بروز روابط سیاسی - اقتصادی ایالت در ساختار شهر

تحلیل تحولات شهر کرمان حداقل سه قرون ۵ تا ۱۰ ق، در ۴ دوره زمانی قابل انجام است. در دوره حکمرانی ترکمانان سلجوقی (۴۴۲-۵۸۳ ق) در مرکز و جنوب شرق ایران، شهر کرمان مرکزیت یافت و مرزهای ایالت کرمان از چهار جهت گسترش پیدا کرد. با وجود این، چالش‌های سیاسی فراوانی میان ملک‌قاورد سلجوقی به‌عنوان حاکم کرمان و آلبارسلان سلجوقی و ملک‌شاه سلجوقی وجود داشت که به نقل از ابوحامد کرمانی، در نهایت منجر به اسارت او و فرزندانش توسط حکومت مرکزی و سپس به قتل رساندن او در سال ۴۶۶ ق شد (ابوحامد کرمانی ۱۳۲۶، ۱۳). تنش‌های سیاسی حاکمان سلجوقی شهر کرمان با حکومت مرکزی پس از ملک‌قاورد نیز همچنان ادامه داشت. توران‌شاه سلجوقی به‌عنوان بانی ساخت بسیاری از ابنیه دوره سلجوقی در شهر و عامل ایجاد محل شاه‌عادل، پس از فرمانروایی بر شهر بم در ناحیه جنوب شرقی ایالت، به حکومت شهر کرمان رسید و زمینه را برای گسترش شهر فراهم کرد (همان، ۱۷). توسعه روابط سیاسی شهر با ناحیه گرمسیرات در شرق و هرمز در جنوب، مسیر تجاری کرمان به سمت جنوب شرق را رونق بخشید و راسته جنوبی بازار کرمان را ایجاد کرد. به تبعیت از این تحولات، مسجد جامع ملک و ابنیه وابسته به آن نیز در جنوب شرق شهر ساخته شدند و با گسترش این ناحیه و افزایش ساخت‌وسازها در آن، زمینه شکل‌گیری محله نوپای شاه‌عادل به‌عنوان یک هسته شهری نو در قرن ۵ ق فراهم شد و رشد این محله تا پایان دوره سلجوقی تداوم داشت.

در دوره دوم، حداقل سال‌های ۶۱۹ تا ۷۰۷ ق شهر در نسبت جدیدی با قدرت مرکزی قرار گرفت و وابستگی حاکمان قراختایی به حکومت مرکزی، منجر به بهبود روابط با شهرهای شمال غربی و توسعه سیاسی در این جهت شد. شهر سیرجان بار دیگر رونق یافت و در نتیجه تنش‌های موجود در مرزهای جنوب شرقی، ناحیه گرمسیرات از مرکز توجه خارج شد. در شهر کرمان نیز با احداث مدرسه قبه‌سبز در شمال غربی شهر سلجوقی و توسعه عمرانی آن، این محدوده به‌عنوان هسته جدید شهر تعیین گردید. با ادامه ساخت‌وسازها در دوره ترکان خاتون قراختایی، محله قبه‌سبز در شمال غربی شهر به وجود آمد و شهر در جهت جدیدی توسعه پیدا کرد. بسیاری از بناهای خیریه ساخته شده در این دوره، موقوفات ترکان خاتون قراختایی و محلی برای سهولت کار تجار و آسایش کاروان‌های تجاری بودند که در

مسیر عمان به یزد و اصفهان، از شهر کرمان عبور می‌کردند (روستا ۱۳۹۸، ۹۶). رونق تجارت با شهرهای مرکزی، در نتیجه ثبات سیاسی، روابط مساعد با حکومت مرکزی و رویکرد حاکمان قراختایی به‌ویژه ترکان خاتون بود که منجر به افزایش اهمیت محور شمالی جنوبی شهر، رونق راسته شمالی بازار و ساخت ابنیه در محدوده شمال غرب هسته شهر و شکل‌گیری محله خواجه‌اتابک شد و با افزایش جمعیت ساکنان شهر، ساختار فضایی شهر به‌خصوص در جهت هسته شهری جدید (محله خواجه‌اتابک) گسترش یافت.

در دوره آل مظفر، با از سرگیری روابط دارالملک کرمان با شهرهای جنوب شرقی و رونق مجدد راه‌های تجاری این ناحیه در قرن ۸ق، بار دیگر جهت اصلی گسترش شهر به سمت شرق و جنوب شرق متمایل شد و مسجد جامع مظفری و سایر بناهای حکومتی در این محدوده ساخته شدند. در این دوره جهت‌گیری بازار نیز به‌عنوان شاه‌رگ ساختار شهر، تحول یافت و بازار شمالی جنوبی سابق، با شکل‌گیری راسته مظفری، در جهت شرقی غربی گسترش یافت و زمینه‌ساز ایجاد محله مظفری در ناحیه شرقی شهر شد. در قرن ۹ق و در نتیجه عدم ثبات سیاسی دوره تیموری، تحولات شهر فراتر از تخریب بخش‌های زیادی از ابنیه نرفت. با وجود این، گسترش حصار شهر و تقویت باروی آن تنها توسعه عمرانی انجام گرفته در این دوره بود که منجر به پیوند محدوده بیرونی و درونی حصار با یکدیگر شد.

نتیجه

با توجه به مطالعات و بررسی‌های انجام‌شده، تحول سازمان فضایی شهر کرمان طی قرون ۵ تا ۱۰ق، به سه گونه عمده قابل تقسیم‌بندی است که هر یک عاملی تأثیرگذار بر دیگر عوامل و تأثیرپذیر از آن‌هاست. با توجه به میزان اهمیت روابط تجاری در حیات شهر کرمان، بررسی «توسعه سیاسی» به‌منظور تعیین نسبت جهت‌گیری حوزه نفوذ شهر در سطح ایالت با جهت‌گیری گسترش شهر، بررسی «توسعه عمرانی» به‌منظور شناخت تحولات عمرانی درون حصار شهر، که در هر دوره متأثر از وضعیت اقتصادی و رویکرد حاکمان نسبت به شهر و ساخت‌وسازهای نو از سمت حکومت یا مردم، منجر به نوعی پوست‌اندازی سازمان فضایی به‌ویژه در هسته اصلی شهر شد؛ بررسی «توسعه کالبدی» که در طی آن شهر متأثر تحولات سیاسی - اقتصادی و افزایش جمعیت، در جهات مختلف به بیرون از حصار گسترش یافت، ربط شهر مورد توجه قرار گرفت و محدوده جدیدی برای گسترش شهر در نظر گرفته شد.

در طی ۵ سده تحولات شهری کرمان، توسعه سیاسی شهر و گسترش حوزه نفوذ حاکمان در هر دوره، منجر به رونق اقتصادی و احیای شریان‌های تجاری در شهر گردید که با ساخت عناصر شهری جدید درون حصار، توسعه عمرانی شهر را به همراه داشت. از طرفی تحولات سیاسی، در جهت‌گیری رشد و توسعه کالبدی شهر نیز نمود پیدا کرد. در دوره سلجوقی، تمایل حکام به استقلال نسبی ایالت کرمان از حکومت مرکزی، رونق تجارت به سمت شرق را در پی داشت و موقعیت ساخت عناصر شهری جدید نیز بر همین منطبق شد. در دوره قراختائیان افزایش روابط سیاسی با حکومت مرکزی، هسته جدیدی در غرب شهر به وجود آورد و در دوره آل مظفر با اهمیت یافتن مجدد ناحیه گرمسیرات از لحاظ اقتصادی و رونق مسیرهای تجاری شرق، جهت توسعه شهر به سمت شرق متمایل شد.

موقعیت مکانی عناصر شاخص شهری مثل مساجد جامع شهر و ابنیه وابسته به آن و جهت‌گیری راسته‌های بازار در هر برهه، نشانه‌هایی هستند که از تمایل شهر به گسترش در سمت‌وسویی خاص حکایت می‌کنند. تطبیق محدوده شهر قدیم و موقعیت قرارگیری عناصر شهری جدید در هر دوره، حاکی از وجود چهار مسجد جامع مجزا در ادوار مختلف به‌عنوان کانون شهری و قرارگیری آن‌ها در نقاط پیرامونی هسته شهر است که این موضوع از یک‌سو، متأثر از وضعیت اراضی درون حصار شهر و وضعیت کلان ایالت و از سوی دیگر، خود عاملی تعیین‌کننده در جهت‌گیری توسعه فیزیکی شهر و گسترش آن است.

توسعه روابط سیاسی شهر کرمان پس از قرن ۵ق عاملی است که تحولات کالبدی شهر را وابسته به وضعیت روابط خارجی و میزان رونق تجارت کرد. در طول ۵ سده تحولات ساختار شهری کرمان، غالباً گسترش روابط سیاسی شهر با حکومت مرکزی و شهرهای اطراف، در الگوی سازمان فضایی آن منعکس شد و بر جهت‌گیری توسعه شهر تأثیر

گذاشت. این توسعه‌های شهری از طریق ایجاد تأسیسات شهری مثل قنات‌ها، ساخت بناهای شاخص، مجموعه‌های شهری و در نهایت تشکیل محلات نو خارج از هسته شهر نمود پیدا کردند. مسیرهای تجاری نیز به‌مثابه حلقه واسط شهر و محیط بیرون از آن عمل کردند و در هر دوره، رویکرد سیاسی حکام شهر، رونق یا رکود تعدادی از این مسیرها در بر داشت. امتداد این مسیرهای تجاری، درون شهر محورهای شاخصی را تعریف کرد، بر جهت‌گیری راسته‌های بازار به‌عنوان ستون فقرات شهر تأثیر گذاشت و در نهایت موقعیت هسته‌های جدید شهری را تعیین کرد. تأثیرگذاری عامل سیاسی در سه دوره سلجوقی، قراختایی و آل مظفر در شهر کرمان به‌حدی است که در صورت مساعد بودن اراضی درون حصار شهر، تغییر حوزه نفوذ سیاسی حاکمان هر دوره و تغییر در وضعیت مسیرهای تجاری، محورهای شهری جدیدی را در شهر به وجود آورد و جهت اصلی گسترش شهر را متحول کرد، به‌نحوی که هسته جدیدی منفک از هسته قبلی در ساختار شهر متولد گردید.

پی‌نوشت‌ها

۱. رشد تشیع در دوره ایلخانی موجب افزایش توجه به سادات و ایجاد بنای خیره‌ای به نام «دارالسیاده» برای رفاه آن‌ها حین سفر شد. کالبد این بنا معمولاً به مدرسه شباهت داشت و احتمالاً نخستین بار به دستور غازان خان در شهرهای مهم ایران که در مسیرهای کاروانی واقع شده بودند مانند تبریز، بغداد، شیراز و کرمان ساخته شد (کریمی و چاهیان بروجنی ۱۴۰۰، ۵۸).
۲. محمدمردادی نیز در کتاب مجموعه مقالات دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران به شش دروازه در حصار شهر قاجاری اشاره می‌کند: دروازه ریگ‌آباد، دروازه مسجد، دروازه گبری، دروازه سلطانی، دروازه ارگ و دروازه ناصری.
۳. در حدفاصل بلوار ۲۲ بهمن و بلوار سرباز امروزی.

منابع

- ابوحامد کرمانی، افضل‌الدین. ۱۳۲۶. تاریخ افضل. تهران: دانشگاه تهران.
- ابوحامد کرمانی، افضل‌الدین. ۱۳۵۶. عقد العلی للموقف الاعلی. تصحیح عامری نائینی. تهران: فاروس.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان. ۱۳۶۸. مرآة البلدان. تهران: دانشگاه تهران.
- باستانی پاریزی، محمدابراهیم. ۱۳۵۵. تاریخ شاهای قراختائیان کرمان. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- باستانی پاریزی، محمدابراهیم، مصحح. ۱۳۵۲. تاریخ کرمان (سالاریه). نوشته وزیر کرمانی. تهران: انتشارات ابن سینا.
- بویل، جی. آ. تاریخ ایران کمبریج، از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخانان. ترجمه حسن انوشه. ۱۳۸۰. تهران: امیرکبیر.
- پاتینجر، هنری. ۱۳۴۸. سفرنامه پاتینجر. ترجمه شاپور گودرزی. تهران: دهخدا.
- پوراحمد، احمد. ۱۳۷۶. جغرافیا و کارکردهای بازار کرمان. کرمان: مرکز کرمان‌شناسی.
- پوراحمد، احمد. ۱۳۷۱. جغرافیا و ساخت شهر کرمان. تهران: جهاد دانشگاهی.
- حافظ ابرو. ۱۳۷۸. جغرافیای حافظ ابرو. تهران: آینه میراث.
- حبیبی، محسن. ۱۳۸۴. از شار تا شهر. تهران: دانشگاه تهران.
- خبیصی، محمدابراهیم. ۱۳۸۶. سلجوقیان و غز در کرمان. تهران: علم.
- دانشور، محمد. ۱۳۸۸. محله‌های قدیمی شهر کرمان. کرمان: مرکز کرمان‌شناسی.
- راوندی، محمد. ۱۳۶۴. راحة الصدور وآية السرور در تاریخ آل سلجوق. تهران: امیرکبیر.
- روستا، جمشید. ۱۳۹۸. جغرافیای تاریخی شهر کرمان. تهران: خاموش.
- روستا، جمشید، و الهام محمدی. ۱۳۹۴. تحلیل وضعیت تجارت و راه‌های تجاری کرمان در دوران حاکمیت سلجوقیان. نشریه پژوهش‌های تاریخی ۷ (۳): ۱۱۹-۱۳۶.
- زنگی‌آبادی، علی. ۱۳۷۰. جغرافیا و برنامه‌ریزی شهر کرمان. کرمان: مرکز کرمان‌شناسی.
- سلیمانی، پیمان. ۱۳۹۲. طرح احیا و سامان‌دهی خانه‌باغ فریدون سروشیان. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

- عباسی، جواد، و لیلا امیری. ۱۳۹۰. تجارت کرمان از سده‌های ششم تا هشتم هجری با تأکید بر جایگاه جبرفت. مجله مطالعات ایرانی ۱۰ (۱۹): ۳۰۱-۳۲۰.
- کتبی، محمود. ۱۳۶۴. تاریخ آل مظفر. تهران: امیر کبیر.
- کریمی، علیرضا، و علی‌اصغر چاهیان بروجنی. ۱۴۰۰. نقش وقف و خیرات بر تسهیل مسافرت در ایران عصر ایلخانی. فصلنامه پژوهش‌نامه تاریخ اسلام ۱۱ (۴۳): ۶۸-۴۹.
- کلمرزی، عبدالرضا. ۱۳۹۸. هزار سال تحول شهری در ایالت کرمان. تهران: اختران.
- کیانی، محمدیوسف. ۱۳۶۵. نظری اجمالی به شهرنشینی و شهرسازی در ایران. تهران: هما.
- لسترینج، گای. ۱۳۸۶. جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی. ترجمه محمود عرفان. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- مستوفی، احمد. ۱۳۵۱. شهداد و جغرافیای تاریخی دشت لوت. گزارش طرح پژوهشی لوت. تهران: مؤسسه جغرافیای دانشگاه تهران.
- محمد مرادی، اصغر. ۱۳۷۸. کنکاشی پیرامون شهر قدیم کرمان با استناد به شواهد مکتوب و آثار معماری و شهرسازی. در مجموعه مقالات دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، ۳۲۵-۳۶۴. تهران: سازمان میراث‌فرهنگی کشور.
- محمدی، ملیحه. ۱۳۷۶. استخوان‌بندی شهر تهران. تهران: سازمان مشاور فنی و مهندسی شهر تهران.
- معلم یزدی، جلال‌الدین محمد. ۱۳۲۶. مواهب الهی در تاریخ آل مظفر. تهران: اقبال.
- مقدسی، محمد بن احمد. احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم. ترجمه علینقی منزوی. ۱۳۶۱. تهران: شرکت مترجمان و مؤلفان ایران.
- منصوری، سید امیر. ۱۳۸۶. دو دوره سازمان فضایی در شهر ایرانی: قبل و بعد از اسلام، با استعانت از شواهد تحولات شهر کرمان. نشریه باغ نظر ۴ (۷): ۴۹-۶۰.
- منشی کرمانی، ناصرالدین. ۱۳۲۸. سمط العلی للحضرة العلیا در تاریخ قراخانیان کرمان. تهران: شرکت سهامی چاپ.
- مهریار، محمد، شامل فتح‌الله یف، و فرهاد فخاری تهرانی. ۱۳۷۸. اسناد تصویری شهرهای ایرانی در دوره قاجار. تهران: دانشگاه شهید بهشتی و سازمان میراث‌فرهنگی کشور.
- مهندسین مشاور استوناوند فراز. ۱۳۹۲. پروژه مطالعات و مرمت قلاع دختر و اردشیر کرمان (منتشر نشده)، اداره کل میراث‌فرهنگی استان کرمان.
- نیک‌زاد، ذات‌الله. ۱۴۰۰. مساجد جامع شهر کرمان؛ شناسایی و تبیین جایگاه شهری و تاریخی. نشریه مطالعات معماری ایران ۱۰ (۲۰): ۴۹-۶۵.
- نیک‌زاد، ذات‌الله. ۱۴۰۳. بازخوانی تحولات تاریخی شهر کرمان با تکیه بر تبیین ساختار فضایی شهر از بنیاد تا پایان سده چهارم هجری. نشریه نامه معماری و شهرسازی ۱۶ (۴۲): ۶۵-۸۶.
- وزیر کرمانی، احمد علی خان. ۱۳۶۴. تاریخ کرمان. تهران: علمی.
- وزیر کرمانی، احمد علی خان. ۱۳۷۶. جغرافیای کرمان. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- همت کرمانی، محمود. ۱۳۶۴. تاریخ مفصل کرمان. تهران: گلی.
- Anisi, Alireza. 2004. The Masjid-i Malik in kirman. *Iran* (42): 137-157.
- Gaube, H. 1979. *Iranian Cities*. New York University.

■ Analyzing the Structural Development of Kerman from the 5th to the 10th Century AH, Based on the Role of Political Relations and Urban Elements

Ali Shafiee Nezhad

M.A. student, Iranian Architectural Studies, Faculty of Architecture, School of Fine Arts, University of Tehran

Alireza Anisi

Associate Professor, Research Centre for Historic Buildings and Cities, Research Institute for Cultural Heritage and Tourism (RICHT)

The emergence of cities is typically based on political and economic factors, as well as natural and geographical characteristics. However, the persistence of urban life and the factors impacting their spatial organization transformations is a topic that demands further investigation, as it redefines urban structures and relationships within them in all historical eras based on the existing situation, government policies, and resulting relations. Previous studies have generally viewed cities as an entity detached from their surrounding system, with little attention paid to the impact of external political relations on their development process. In contrast, the formation and existence of Kerman in a region with unfavorable climatic conditions has always been dependent on commercial relations with surrounding cities. Thus, the political development has driven the urban and physical development of Kerman. The current study aims to understand these relationships and their impact on urban transformations and the spatial organization of Kerman across five centuries, from the 5th to the 10th century AH. Understanding the city's past structural layout requires examining local histories and primary sources, analyzing and explaining them, and comparing historical documents with architectural remains from each period as urban elements from their era. Thus, this study uses a historical-analytical approach with logical reasoning. The findings indicate that Kerman gained particular prominence from the 5th century AH. Its economic prosperity led to political and physical development in subsequent centuries, gradually transforming the Seljuk city's spatial organization. During the following five centuries, new urban cores emerged in each era, influenced by the status of lands within the city walls and the nature of political relations with surrounding cities. These cores consisted of important urban elements such as the Grand Mosque, Dar al-Siyada, bathhouses, and necessary facilities like qanats. The development of these elements laid the foundations for structural transformation, leading to the formation of new neighborhoods around the initial core and determining the primary direction of urban expansion in each era.

Keywords: Kerman, Spatial Structure, Urban Elements, Urban Enlargement, Urban Developments.